

بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه - 6 تیر / 1390

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً خوشامد عرض میکنیم به برادران و خواهران عزیز، کارکنان و مسئولان و قضات محترم قوهی قضائیه و خانواده‌های معظم و معزز شهیدان واقعه‌ی تلخ هفتم تیر. و تشکر میکنیم از جناب آقای آملی، ریاست محترم قوه، که در گزارش پرمغز و عالمانه‌ی خودشان نکات بسیاری را در مورد قوهی قضائیه مطرح کردند و اقدامات شایسته‌ی تحسین و تقدیری را که در قوهی قضائیه انجام گرفته است، به اطلاع عموم مردم رساندند. از خداوند متعال درخواست میکنیم که به ایشان و به همکارانشان در سطوح مختلف قوهی قضائیه کمک کند، توفیق بدهد و آنها را بر ادامه‌ی این راه نورانی و پرخیر و برکت ان‌شاءالله یاری کند. از شخص ایشان - که بحمدالله رتبه‌ی برجسته‌ای در علم و ابتکار و نشاط و انگیزه و همت بلند دارند - همین انتظار هم هست. ان‌شاءالله خداوند از همه قبول کند. يك جمله راجع به ماجرای هفت تیر عرض کنیم، يك جمله هم راجع به قوهی قضائیه به عرض حضار محترم برسانیم. حادثه‌ی هفتم تیر يك محنت واقعی بود؛ حقیقتاً يك ضربه و يك حادثه‌ی تلخ و تکان دهنده‌ای بود برای کشور و برای نظام. در قلب دستگاه مدیریت کشور، شخصیتی مثل شهید مظلوم مرحوم آيةالله بهشتی و دیگر بزرگان، فعالان از قوهی قضائیه، از مجلس شورای اسلامی، از دولت، از نخبگان سیاسی، از نخبگان علمی، يك چنین حادثه‌ای به وجود بیاید، يك چنین فاجعه‌ای رخ بدهد، واقعاً محنت بود. منتها در اینجا يك نکته‌ای وجود دارد که در طول تاریخ، این نکته قابل مشاهده و لمس است و آن این است که هرگاه ملتی، جماعتی، فردی در مقابل يك محنتی که بر آن جمع یا بر آن فرد یا بر آن ملت وارد میشود، صبر و بصیرت به خرج داد، آن محنت برای او تبدیل میشود به نعمت. راز پیروزی حق، پیروزی کلمه‌ی حق، انتشار حق، انتشار توحید در طول تاریخ در میان بشر همین نکته است. انبیای عظام الهی، و در مواردی ملت‌هایی که تحت حاکمیت این بزرگان بودند، این همه محنت را تحمل کردند؛ باید در طول تاریخ نامی از پیام پیغمبران نمانده باشد؛ باید فکر آنها، ایده‌ی آنها، راه آنها در زیر تندباد حوادث تلخ بکلی نابود شده باشد، در هم پیچیده شده باشد، از بین رفته باشد. شما می‌بینید بعکس است؛ یعنی هرچه تاریخ جلوتر آمده، پیام نبوتها در میان مردم، در افکار مردم، زنده‌تر شده است. رازش همین نکته است: صبر و بصیرت در مقابل محنتها.

مردم ما در قضیه‌ی هفت تیر این هنر را به خرج دادند: به جای اینکه ناامید شوند، به جای اینکه اعتماد به نفس خودشان را از دست بدهند، به جای اینکه از دشمن بترسند و در مقابل دشمن زانو بزنند، به جای ضعف و انکسار و انهزام، ملت ما به خاطر بصیرتی که داشتند و به طور دائم به وسیله‌ی امام بزرگوار در آنها تزریق میشد و در میان مردم دامن زده میشد، صبر کردند، ایستادگی کردند و موج را علیه دشمن برگرداندند. من خبرهای هفت تیر را بعدها شنیدم. در آن روز هفت تیر و روزهای بعد از هفت تیر، من در حال عادی و معمولی نبودم - بیهوش و نیمه بیهوش بودم - لیکن وقتی شنیدم که آنچه اتفاق افتاده است، چه بوده است و مردم چگونه با آن برخورد کردند، حقیقتاً مثل يك ناظری که از بیرون نگاه میکند، شگفت‌زده شدم. مردم ما باید این را حفظ کنند. این را باید ما به عنوان يك درس - درسی که آن را عمل کردیم، آن را به تاریخ پس دادیم - حفظ کنیم. برای ملتی مثل ملت ایران که با يك چنین هدف والائی - رسیدن به ارزشهای اسلامی و تحقق مبانی اسلام در جامعه و انتشار آن در عالم - وارد میدان شده است، قهراً حادثه زیاد است. خب، شما به اسلامی عمل میکنید که با ظلم مخالف است، با زور مخالف است، با زیر بار رفتن ملتها در مقابل دشمنان و زورگویان مخالف است، حتی در مقابل زورگوئی‌های دنیا نسبت به دیگران هم بی‌تفاوت نیست. در مقابل این مجرا و این حرکت، کی با شما مخالف خواهد شد؟ زورگویان عالم، ظالمین عالم، استعمارگران، مستبدان بین‌المللی، دیکتاتورهای ظالم و خشن؛ اینها همه در مقابل شما صف‌آرایی میکنند. اینها پول دارند، رسانه دارند، قدرت سیاسی دارند، قدرت تبلیغاتی دارند؛ لذا محنت درست میکنند. در مقابل اینها باید ایستاد. ملت ما این امتحان را داده و موفق هم شده است.

امروز نظام جمهوری اسلامی در مقایسه‌ی با هفتم تیر 1360 از لحاظ اقتدار، از لحاظ پیشرفت، از لحاظ توانائی‌های گوناگون، از لحاظ اعتبار بین‌المللی و ایجاد امید در ملتها، از زمین تا آسمان تفاوت کرده است. این به خاطر همین ایستادگی ملت عزیز ما بوده است. پس این اصل را ما از حادثه‌ی هفتم تیر به یاد داشته باشیم که هرگاه محنت و سختی‌ای که بر ما تحمیل می‌شود، با صبر ما، با استقامت ما، با بصیرت ما مواجه شود، آن محنت تبدیل می‌شود به نردبانی برای عروج، برای ارتقاء و برای پیشرفت؛ و شد، ان شاءالله بعد از این هم خواهد شد.

در مورد قوه‌ی قضائیه: قوه‌ی قضائیه به دو عامل نیاز دارد تا بتواند موفق باشد. در هر نظامی، در هر اجتماعی، قوه‌ی قضائیه حل و فصل کننده‌ی اختلافات و حاکم کننده‌ی عدل در مقابل ظلم و تجاوز و فساد و اینهاست. برای اینکه قوه‌ی قضائیه در این هدف والا موفق بشود، به دو چیز احتیاج دارد: یکی قدرت و اقتدار - که باید قوی باشد - دوم، اعتماد؛ یعنی مردم باید به او اعتماد داشته باشند. قوه‌ی قضائیه این دو چیز را نیاز دارد. اقتدار قوه‌ی قضائیه را میتوان با همین زیرساختهای انسانی و فنی - که در این زمینه، شرحی از پیشرفته‌ها را رئیس محترم قوه دادند؛ بنده هم تا حدود زیادی در جریان کارهایی که انجام گرفته است، هستم - تأمین کرد. قوه‌ی قضائیه با استحکام درونی، با تربیت و به کار گرفتن انسانهای شایسته، فاضل، امین و درستکار، قوت و اقتدار پیدا میکند. با وضع قوانین درست، با نظارتهای متناسب، با بهره‌گیری از پیشرفتهای گوناگون فنی و سازمانی و استفاده‌ی از همه‌ی دنیا، این اقتدار به وجود می‌آید. ما از این که از دیگران یاد بگیریم - مکرر عرض کرده‌ایم - خجالت نمیکشیم. ما از هر ملتی، از هر کشوری، از هر نظام قضائی‌ای در دنیا که یک نکته‌ی خوب و روشن در کار خود داشته باشد، استفاده خواهیم کرد، از او یاد میگیریم. البته چشم‌پسته به روشها و حرفهای این و آن نمی‌گیریم؛ این غلط است. چون در دنیا اینجور رفتار میکنند، پس ما هم باید اینجور رفتار کنیم؛ نه، این غلط است. «و ان تطع اکثر من فی الارض یضلوك عن سبیل الله ان یتبعون الا الظن و ان هم الا یخرون». (1) از روش این و آن اطاعت و تبعیت نمیکنیم. غربی‌ها اینجوری عمل میکنند، شرقی‌ها اینجوری عمل میکنند، فلان کشور اینجوری عمل میکند، پس ما هم بکنیم؛ نه، این غلط است. ما از تشخیص خودمان تبعیت میکنیم. یعنی وقتی دیدیم در نظام قضائی فلان کشور دورافتاده - بزرگ یا کوچک - این نکته وجود دارد که کار آنها را در امر قضا سهل کرده است و این فواید را داشته است، عقل ما وقتی این را تشخیص داد، آن وقت این را عمل میکنیم. این تبعیت از او نیست، این تبعیت از عقل است؛ این خوب است. اینها برای قوه‌ی قضائیه اقتدار می‌آورد. تلاش زیاد، ابتکار روزبه‌روز و نوآوری اقتدار می‌آورد. نمیتوان همین طور نشست تا امور در جریان عادی خودش پیش برود؛ مسئولین قوه باید نگاه کنند، ضعفها را پیدا کنند، مشکلات را پیدا کنند، گره‌های کور را پیدا کنند، اینها را با ابتکار برطرف کنند؛ ذهنهای برتر و ذهنهای ممتاز میتوانند کمک کنند؛ بحمدالله در درون قوه هم هستند، از بیرون قوه هم استفاده بشود. زیرساختهای فنی تأمین بشود، زیرساختهای انسانی تأمین بشود؛ این میشود اقتدار قوه‌ی قضائیه؛ یک قوه‌ی قوی و مقتدر که توانائی حرکت به سمت اهداف خودش را دارد. این رکن اول.

رکن دوم - که اعتماد مردم است - با تأمین عدالت امکان‌پذیر خواهد شد، با عمل دقیق و حکیمانه‌ی به قانون تأمین خواهد شد. مردم باید اعتماد پیدا کنند. وقتی دیدند که قوه‌ی قضائیه به قول خود در اجرای عدالت عمل میکند، اطمینان پیدا میکنند. حتی آن کسی هم که علیه او حکم داده شده است، وقتی بین خودش و قلبش و خدایش خلوت میکند، تصدیق میکند که نه، حق با آن است. ممکن است در زبان و در ظاهر زیر بار نرود، اما قلباً قبول خواهد کرد. بنابراین یک حالت اعتمادی به قوه‌ی قضائیه به وجود می‌آید. این اعتماد لازم است.

عدالت مهم است. اگر بخواهیم عدالت در قوه‌ی قضائیه جریان دائمی و عمومی و فراگیر پیدا کند، بایستی تقوا و نگاه بیطرفانه در حوادث کوچک و بزرگی که به قوه‌ی قضائیه ارجاع میشود، حاکم شود؛ این را باید همه رعایت کنند، از بالا تا پایین. این یک نکته‌ی بسیار مهمی است. این، اعتماد ایجاد خواهد کرد.

یک چیزی که ضد حالت اعتماد مردم است، این است که افرادی علیه قوه - چه این قوه، چه قوه‌ی مجریه یا قوه‌ی مقننه - بنا کنند تشکیک کردن. عادت بدی پیدا شده است - البته این جدید هم نیست، اینها همیشه بوده است؛ اما خب، حالا چون وسائل ارتباط جمعی متکثر است، همه‌گیر است، فراگیر است، بیشتر خود را نشان میدهد -

این عادت بد، تشکیک کردن در گزارشهاست. قوهی قضائیه گزارش میدهد، یک نفر می‌آید می‌گوید که از کجا معلوم اینها راست است. یک شبهه‌ای به وجود می‌آورد. قوهی مجریه گزارش میدهد، یکی پیدا میشود و می‌گوید آقا از کجا معلوم این آمارها درست باشد. تشکیک ایجاد میکند. عین همین قضیه در مورد قوهی مقننه هم هست. نمیشود زحمات یک مجموعه‌ی انسانی فعال را با یک ان قلت بیجا و القاء شبهه‌ی بی‌مورد، همه را انسان زیر پا له کند؛ این غلط است. البته جلوی حرف کسانی که اختیار حرف زدن خود را ندارند، نمیشود گرفت؛ اما مسئولان متوجه باشند. رسانه‌هایی که احساس مسئولیت میکنند، متوجه باشند؛ بی‌دلیل گزارشهای رسمی مسئولان برجسته‌ی نظام را زیر سؤال نبرند. هم در قوهی قضائیه این حرف هست، هم در قوهی مجریه این حرف هست، هم در قوهی مقننه این حرف هست. زیر سؤال بردن فعالیتها، زحمات را ضایع میکند. انسان می‌بیند این ایام در مورد آمارهای قوهی مجریه خدشه میکنند، در مورد اظهارات و آمارهای قوهی قضائیه خدشه میکنند، در مورد اقدامهای مثبت و فعالیتهای خوب قوهی مقننه و مجلس القاء شبهه میکنند؛ این، اعتماد مردم را از بین میبرد. ما به عنوان کسی که مستمع و شنونده و مخاطب این گزارشهاست، باید هوشیارانه نگاه کنیم، اما گزارشها را تلقی به قبول کنیم. باید تلقی به قبول کنیم. البته در مواردی ممکن است یک آمار دروغ، آمار غلط، آمار اشتباهی هم داده شود؛ این را نباید تعمیم داد و شبهه کرد؛ این، اعتماد مردم را از دستگاه‌های نظام، از بدنه‌های نظام سلب میکند، ضایع میکند. مسئولین به این نکته توجه داشته باشند. بنابراین، این اعتماد هم خیلی مهم است.

یک مطلب دیگری که در باب قوهی قضائیه و عملکرد قوه و بازخوردهای این عملکرد در بیرون باید مورد توجه قرار بگیرد - که الان رئیس محترم قوه هم اشاره کردند - این است: خب، قوهی قضائیه با متهم مواجه است. یک نفری متهم به یک معنایی میشود؛ قوهی قضائیه وظیفه دارد از راه‌هایی که قانون معین کرده، برود تحقیق کند، تفحص کند و مشخص کند که این اتهام وارد است یا وارد نیست. صرف متهم شدن که جرم نیست. به هر کسی ممکن است یک اتهامی وارد شود. تا وقتی که از طریق قانونی جرم ثابت نشده است، نه در خود قوه، نه در بیرون قوه، نه در تریبونها و منبرهای رسمی، نه در وسائل ارتباط جمعی، کسی حق ندارد آبروی یک مسلمانی را ببرد؛ این بسیار مسئله‌ی مهمی است. بعضی اوقات انسان می‌بیند روی قوهی قضائیه فشار می‌آورند که آقا افشاء کنید. نه آقا، هیچ لزومی ندارد افشاء کردن. در موارد خاصی، بله، شارع مقدس مشخصاً و معیناً خواسته است که مردم مجازات را ببینند، یا مجازات شونده را بشناسند؛ اینها موارد خاصی است، مال همه جا نیست. بخصوص وقتی که در فضای جامعه روحیهی تعمیم وجود دارد که یک چیزی را به غیر مورد خودش تعمیم میدهند، اینجا انسان خیلی باید احتیاط کند. تا وقتی جرمی ثابت نشده است، قطعاً نبایستی کسی را در معرض قرار داد؛ در معرض اتهام هم نباید قرار داد؛ چون وقتی گفتید متهم است، افکار عمومی تفکیک نمیکند بین متهمی که هیچ گناهی نکرده است، با آن کسی که شواهدی بر گناه او وجود دارد. حتی بعد از اثبات جرم هم چه لزومی دارد؟ عرض کردم، مگر یک مورد خاص؛ «و ليشهد عذابهما طائفة من المؤمنین» (2) چند مورد اینجوری داریم. حتی اگر چنانچه فرض کنیم یک نفری جرمی هم کرده است، این جرم در دادگاه صالح اثبات هم شده است، این شخص به مجازات محکوم هم شده است - فرض کنید رفته زندان - چه لزومی دارد ما اسم او را در روزنامه‌ها منتشر کنیم تا بچه‌ی این آدم که دارد مدرسه می‌رود، دیگر رویش نشود مدرسه برود؟ چه اشکال دارد که این مدت زندانش را بگذرانند، بیاید بیرون، خودش و خانواده‌اش زندگی عادی‌شان را ادامه دهند؟ خب، جرمی کرد، مجازات شد، تمام شد دیگر. باید حتماً آبروریزی بشود؟ این از نکات بسیار مهمی است.

البته مخاطب این حرف فقط قوهی قضائیه نیست؛ مسئولان قوه، خارج قوه، رسانه‌ها مخاطبند. نه از آن طرف بایستی عملکرد قوهی قضائیه را زیر سؤال برد؛ هر اقدامی که قوهی قضائیه میکند، بگویند نخیر، یک کاسه‌ای زیر نیم کاسه هست، یک غرضی هست - نخیر، کسی نباید اینجور عمل کند، اینجور حرف بزند - نه از این طرف، افراد به صرف اینکه متهم به یک معنایی شدند، این اتهام آشکار شود، واضح شود، در افکار عمومی مطرح شود. افکار عمومی از این مسئله چه لذتی می‌برد؟ برای افکار عمومی چه فایده‌ای دارد که بداند زیدی، عمروی، بکری متهم به فلان عمل خلافی است؟ باید به اینها توجه کرد.

عرض کردم؛ آنچه که تضمین کننده‌ی همه‌ی این مطالب است، تقواست. تقوا این است که ما مراقب حرفمان، مراقب کارمان، مراقب جهتگیری‌مان، مراقب رفتارمان باشیم. کوچکترین اعمال ما ثبت میشود؛ «فمن يعمل مثقال ذرة خيرا يره. و من يعمل مثقال ذرة شرا يره». (3) اعمال ما، گفتار ما، الفاظ ما همه ثبت میشود؛ بعد ما را به سؤال و جواب میکشند. دادگاه عدلی وجود دارد که در آن دادگاه عدل باید انسان جواب بدهد. زیر جواب میمانیم. تقوا یعنی همین را رعایت کنیم، همین را مواظبت کنیم.

بحمدالله قوه‌ی قضائیه از اول انقلاب تا امروز در هر دوره‌ای يك قدم جلوتر گذاشته است؛ در هر دوره‌ای پیشرفتهای باارزشی داشته است. امروز هم بحمدالله پیشرفتهای قوه‌ی قضائیه و کارهائی که در قوه‌ی قضائیه دارد انجام میگیرد، حقیقتاً امیدوار کننده است. انسان وقتی نگاه میکند به این نشاط، به این همت، به این روحیه‌ی ابتکار، به این امیدی که در مسئولین قوه وجود دارد و دارند حرکت میکنند - بحمدالله حرکت عالمانه، حرکت مبتکرانه - خرسند میشود؛ اینها نوید آینده است.

امیدواریم خداوند متعال از همه‌ی شماها قبول کند و شما را مشمول دعای حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) قرار دهد و ان شاءالله قلب مقدس آن بزرگوار را از شما راضی کند. خداوند ان شاءالله ارواح طیبه‌ی شهدای عزیزمان و روح مطهر امام بزرگوار را از همه‌ی ما راضی و خشنود کند.
والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

(1) انعام: 116

(2) نور: 2

(3) زلزله: 7 و 8